

فقر مطالعه غیردرسی، ساخت‌شناختی، سکوت کلاسی

رضا بهنام‌فر*

مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی / ۱۳۹۴؛ ۱۵ (۷): ۵۴ تا ۵۶

سردبیر محترم مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی

از عدم مشارکت فراگیر در فرایند آموزش به عنوان پدیده سکوت کلاسی یاد می‌شود (۱). یکی از پدیده‌هایی که بیش‌ترین نارضایتی را در کلاس درس ایجاد می‌نماید، سکوت موجود در بین نوجوانان و جوانانی است که نمی‌خواهند و یا نمی‌توانند به طور فعال در بحث‌های کلاسی شرکت نمایند (۲). عوامل متعددی وجود دارد که به بی میلی فراگیران برای صحبت کردن و شرکت در فعالیت‌های کلاسی کمک می‌کنند (۳). از ضعف فراگیر در ادراک مطالب ارائه شده توسط مدرس که خود ریشه در ضعف فراگیر در ادراک رابطه میان مطالب جدید و دانش پیشین دارد، می‌توان به عنوان یکی از دلایل مهم این پدیده نام برد؛ به عبارتی یکی از زمان‌هایی که باید منتظر سکوت فراگیر در کلاس درس باشیم، زمانی است که "یادگیری معنادار" اتفاق نمی‌افتد (۴). زمانی که ارتباط یاد شده برقرار نگردد، فراگیر عملاً از فرایند آموزش خارج شده و صرفاً با حضور فیزیکی او در کلاس درس مواجه هستیم. از آنجا که فراگیر مطالب جدید را درک نمی‌کند، لذا یا اساساً سؤالی برای طرح نمی‌شود و یا سؤال‌های او آنقدر ابتدایی و پرشمار هستند که از طرح آنها در کلاس درس خودداری می‌نماید. در چنین شرایطی فراگیر توانایی مشارکت در بحث‌های کلاسی و یا پاسخ گویی به سؤالات مطرح شده را نیز ندارد و سکوت بر "رفتار کلاسی" او حاکم می‌گردد.

ساختار شناختی ضعیف فراگیر را نیز می‌توان به عنوان یکی از موانع عمده یادگیری معنادار نام برد (۵). مجموعه اطلاعات و مفاهیمی که در زمینه یک رشته علمی در ذهن فرد وجود دارد، ساخت‌شناختی او در آن رشته می‌باشد و تمام ساخت‌های شناختی یک شخص، ساخت‌شناختی کلی او را می‌سازند. به کمک ساخت‌شناختی کلی، به شناخت پدیده‌ها، رویدادها و امور پیرامون خود دست می‌یابیم. مطالب جدید وقتی در ذهن فراگیر معنی پیدا می‌کنند که بتوان آنها را به یک سازمان شناختی خاص ارتباط داد (۴). بسیاری از پژوهشگران، ساختارشناختی را به عنوان شیوه‌ای که در آن یک فرد، حقایق، مفاهیم، گزاره‌ها، نظریه‌ها و داده‌های خام را سازماندهی می‌کند؛ و یا به طور خاص تر به عنوان یک ساختار فرضی که به سازمان دهی روابط بین مفاهیم در ذهن اشاره دارد؛ تعریف می‌کنند (۶). بدین ترتیب ضعف در ساخت‌شناختی فراگیر منجر به اختلال در یادگیری معنادار او می‌شود.

همان‌گونه که بیان شد، مجموعه دانش‌های مختلف یک فرد، ساخت‌شناختی کلی او را می‌سازند و بدیهی است که این ساختار تنها محصول مطالعات درسی او در دوران تحصیلاتش نخواهد بود. تمام مطالعات فراگیر چه درسی و چه

* نویسنده مسؤول: رضا بهنام‌فر، دانشجوی دکترای مدیریت آموزشی، کارشناس مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد،

یزد، ایران، reza82br@yahoo. Com

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۱/۱۱، تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۲/۱۹

غیردرسی در ایجاد و غنای این ساختار نقش دارند.

سال‌هاست از فقر مطالعه به عنوان یک معضل فرهنگی یاد می‌شود. اما کمتر به ضعف نظام آموزشی سنتی در فرهنگ‌سازی و یا با نگاهی بدبینانه در فرهنگ‌سازی معکوس در این زمینه، اشاره شده است. در یک نظام آموزشی سنتی، حجم زیاد مطالب در هر واحد درسی، نظام ارزشیابی مبتنی بر نمره و تأکید بر محفوظات از موانع بسیار مهم پرداختن فراگیران به امر مطالعه خارج از دایره دروس در طول سالیان تحصیل می‌باشند (۷). زمانی که دغدغه فراگیران در نظام آموزشی سنتی صرفاً مطالعه درسی می‌باشد؛ در گذر زمان، دقیقاً در همان برهه زمانی که باید فرهنگ مطالعه را در فرد نهادینه کرد، اهمیت مطالعه غیردرسی از بین می‌رود زیرا در عمل آنچه باعث موفقیت آنها می‌گردد، افزایش مطالعات درسی بوده و مطالعات غیردرسی به طور "ملموس" نقشی در موفقیت درسی ندارند (۸). آموزش مبتنی بر محفوظات در نظام‌های آموزشی سنتی در عمل جایگاه ویژه‌ای را برای تحلیل و درک مفاهیم در نظر نمی‌گیرد (۹). در واقع نظام آموزشی که وظیفه فرهنگ‌سازی را ایفا می‌نماید، در شکل سنتی خود، در عمل نه تنها مشوق مناسبی ارائه نمی‌نماید بلکه ناخواسته اختصاص وقت به مطالعات غیردرسی را به یک عامل مخرب در موفقیت تحصیلی در این شکل از نظام آموزشی تبدیل می‌نماید.

دیندسا (Dhindsa) می‌نویسد بر اساس نظریه آزوبل (Ausubel) مهم‌ترین عاملی که یادگیری را تحت تأثیر قرار می‌دهد، "همه آن چیزی است که فرد می‌داند" (۱۰). از طرفی باید به یاد داشته باشیم رشته‌های مختلف دانش که در برنامه‌های درسی سنتی به طور مجزا از هم سازمان دهی می‌شوند، فاصله‌هایی است که دانشمندان علوم مختلف برای اهداف ویژه به وجود آورده‌اند و در واقع می‌توان علم را ساختاری از مفاهیم اساسی مشترک دانست که یک چارچوب مفهومی "واحد" را به وجود می‌آورد (۱۱). واضح است که هر چه دایره اطلاعات فرد بزرگتر باشد، زمینه مناسب‌تری برای درک مطالب هر علم فراهم است. شاید در ظاهر مطالب رشته‌ها و دروس مختلف ارتباطی به یکدیگر نداشته باشند، اما در واقع این جداسازی حوزه‌های محتوایی و موضوعات درسی در برنامه‌های درسی، محصول نظام‌های آموزشی سنتی است (۱۲). به این ترتیب در عمل هر چه فرد ساختار شناختی وسیع تری داشته باشد، شانس برقراری ارتباط بین مطالب جدید با دانش قبلی افزایش خواهد یافت و احتمال یادگیری بیشتر خواهد شد و قدرت تحلیل بالاتر خواهد رفت؛ در نتیجه احتمال میزان مشارکت در فرایند یاددهی و یادگیری افزایش خواهد یافت (۱۳).

به این ترتیب مطالعه غیردرسی به واسطه اثرگذاری در شکل‌گیری ساختارشناختی فراگیر نه تنها باعث تقویت یادگیری خواهد شد، که از نتایج منطقی آن می‌توان به افزایش قدرت تحلیل و شکست سکوت در کلاس‌های درس اشاره کرد. اما سؤال اینجاست چگونه از دانشجویی که در طول سالیان تحصیل با این واقعیت آشنا نشده باید انتظار داشت که نگرش و رویه خود را تغییر دهد و مهم‌تر از آن چگونه می‌توان از یک مدرس نظام آموزشی سنتی بخواهیم تا در این راستا نقش مؤثر ایفا نماید. واقعیت این است ما با یک کلاف سردرگم رو به رو هستیم.

منابع

1. Behnamfar R. [Modern Reticence]. Iranian Journal of Medical Education. 2014; 14 (9):829-830. [Persian]
2. Shari'ati A(translator). [farhange sekoute kelase dars]. Shizha E(author). Journal of Curriculum Studies. 2006;1(3): 156-166. [Persian]
3. Aghazadeh S, Abedi H. Student Reticence in Iran's Academia: Exploring Students' Perceptions of Causes and Consequences. Procedia - Social and Behavioral Sciences. 2014; 98:78 – 82.
4. Shabani H. [Instructional Skills (Methods and Techniques of Teaching)]. 22nded. Tehran: Samt; 2008.

[Persian]

5. Sarhangi F, Masoumi M, Ebadi A, Seyyed Mazhari M, Rahmani A. Comparing the effect of lecture- and concept mapping based learning on cognitive learning levels. *Iranian Journal of Critical Care Nursing*. 2010; 3(1):1-5.
6. Ifenthaler D, Masduki I, Seel NM. The mystery of cognitive structure and how we can detect it: tracking the development of cognitive structures over time. *Instructional Science*. 2011; 39:41–61.
7. Pakseresht MJ. [Educational theories and theory-making challenges in iranian education system]. *Quarterly journal of educational innovations*. 2007; 6(20): 125-148. [Persian]
8. Pashasharifi H, Akbari A. [The secondary school students' needs to non- academic reading materials]. *Journal of educational innovations*. 2009; 7(28): 111-128. [Persian]
9. Abedini Baltork M, Nasr Esfahani A, Mohammadi M, Salehi Omran E. [Elements of Constructivist Curriculum in Medical Education: A Review Study]. *Iranian Journal of Medical Education*. 2015; 14(10):888-897. [Persian]
10. Dhindsa HS, Kasim M, Anderson OR. Constructivist-Visual Mind Map Teaching Approach and the Quality of Students' Cognitive Structures. *Journal of Science Education and Technology*. 2011; 20:186–200.
11. Maleki H. [Curriculum Development; Practice Guide]. Mashhad: Ferdowsi University; 2011. [Persian]
12. Jafari Sani H, Ghorbani N. [The effect of integrating the content of the main four chapters of guidance school first grade science textbook based on the integrative organization approach (project type) on the same grade girls' educational development and social growth]. *Quarterly journal of educational innovations*. 2009; 7(28): 157-178. [Persian]
13. Lotf Abadi H. [Educational Psychology]. Tehran: Samt; 2012. [Persian]